

تحلیل سیر تحول تهیه طرح های توسعه شهری در ایران

محمد رضا جمالی^{۱*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۸/۲۹

چکیده

تهیه و تدوین برنامه های توسعه شهری در جهان و ایران با مفهوم امروزی از قدمت زیادی برخوردار نیست ولی تلاش های انجام گرفته در این خصوص به زمان های گذشته باز می گردد، نخستین تلاش هایی که به نوعی در راستای نظم دهی به سکونتگاه انسانی بوده است که اولین سرچشمه های تدوین برنامه توسعه را فراهم نموده است بررسی سیر تحول مطالعات طرح های توسعه شهری در ایران در یک طبقه بندی کلی ۳ مقطع تاریخی زیر را بیان می کند: مرحله اول: قبل از اسلام و دوران باستان با شکل گیری مجموعه های باشکوه و عظیم همچون چغازنبیل تخت جمشید جندی شاپور و ... مرحله دوم: بعد از اسلام تا مشروطیت رونق شهرنشینی با گسترش هنر دوران اسلامی و معماری باشکوه در مساجد بازارها و ایجاد شهرهای پررونق مثل سمرقند، بخارا، اصفهان و ... مرحله سوم: دوران معاصر، با ورود اتومبیل به شهرهای گور و تغییر ساختار فضایی شهرها با شکل گیری خیابان های عریض و تهیه اولین طرح های توسعه شهری از دهه ۱۳۴۰ شمسی به بعد.

واژگان کلیدی

توسعه شهری، سکونتگاه انسانی، ساختار فضایی شهرها

۱- کارشناس شهرسازی و معماری- مهندسی عمران گرایش عمران.

مقدمه

تفکر در خصوص تهیه طرح برای شهر و بررسی ابعاد مختلف توسعه آتی آن از قدمت زیادی برخوردار نیست و واقعیت آن است که با هریک از تقسیم بندی های انجام گرفته در این خصوص مقایسه شود، مشخص می گردد که مدت زمان قابل تصور برای تفکر و تهیه طرح شهری حداکثر دو قرن است که از اوایل قرن نوزدهم به بعد را شامل می شود. بنابراین شهرسازی نسبت به برخی علوم دیگر از عمر کوتاهی برخوردار است و خصوصاً در جریان تحولات انجام گرفته در طول دو سده اخیر نیز با نوساناتی مواجه بوده است که بعضاً دگرگون کننده برخی بنیانهای اساسی این علم شده است. بنا به همین سابقه، شهرسازی از نظریه پردازی صرف در باب مباحث اجتماعی، اقتصادی و یا ایده آل گرایی و تخیل پردازی شروع و قریب یک قرن با این شیوه تفکر تداوم می یابد. (اوایل قرن نوزدهم با نظریات رابرت اوئن، شارل فوریه، ژول ورن، ژان باتیست گودن و دیگران)

با شروع قرن بیستم و رواج تفکرات عملی مبنی بر پوزیتیویسم و اثبات گرایی تجربی حاکم بر علوم، تفکرات طرح شهری و توسعه آن نیز از قاعده کلی تبعیت می کند و به همین دلیل شیوههای تفکر مباحث شهری یکباره از مسائل انتزاعی و کلی به موارد عینی و جزئی تبدیل می گردد و توجه به مسائل عمومی و روزمره همچون بهداشت، حمل و نقل، میدان و فرم شهری جای خود را به مسائل کلی همچون طبقه بندی نظام مسکن (نظریه رابرت اوئن ۱۷۷۱-۱۸۵۸) جامعه اشتراکی فالانستر (نظریه شارل فوریه ۱۸۳۸-۱۷۷۲) [۶] و طرح قصر اجتماعی (نظریه ژان باتیست گودن ۱۸۱۹-۱۸۸۸) می دهد.

وارد شدن عرضه مهندسی عمدتاً با مفهوم Civil در شهرسازی که عموماً با ماهیت عمران و ساختمان سازی قابل بیان است، تغییر عمیقی در اندیشه و شیوه عمل شهرسازی به جای می گذارد و باعث می شود که ماهیتاً جایگاهی زمینی پیدا کند و از تخیلات به واقعیات روزمره تغییر یابد. به همین دلیل توجه به جنبه های کالبدی شهر هم در نقشه شهری (طرح خیابان بندی شطرنجی Grid Iron) و هم عناصر شهری (میدان های بزرگ توسط بارن اوسمان) [۸] نمود می یابد از این مقطع اصول نظری شهرسازی مدرن پایه ریزی می شود و توجه شدید به کمیات معماری و جدایی فعالیت های شهری به عنوان یک اصل اجتناب ناپذیر معرفی می گردد (تفکرات لکر بوزیه ۱۹۶۵-۱۸۸۷).

از طرف دیگر وقوع جنگ جهانی دوم و تبعات ناشی از تخریب همه جانبه شهرها در اثر جنگ، باعث شد که توسعه شهری از نگاه تک بعدی به چند وجهی تغییر یابد و به همین دلیل توجه به مشکلات شهری از نگاه جامع دیدن به همه مسائل شهری مطرح می گردد. به این امید که جامع بینی بتواند همه پیچیدگی های نظام شهری را حل کند و محققان مختلف هریک از فراخور علم مکتسب خود به شناخت و تحلیل برسند. نتیجه نهایی این تحول، این بود که امر شهرسازی جامعیت می یابد و متخصصان اقتصاد، جامعه شناسی، جغرافیا، حقوق و ... علاوه بر معمار و مهندس قبلی برای تدوین طرح شهری فرا خوانده می شوند و همین امر مقدمه ای بر تولد دانش شهرسازی در مفهوم آکادمیک آن می شود، شاید بتوان گفت که ویژگی های این دوره رجعت به دوران نخست شهرسازی است که در آن تخصص های غیرفنی در عرصه های نظری و خصوصاً با گرایش های اقتصادی، اجتماعی و مالی به ارائه ایده پرداختند؛ اما در عین حال به دلیل تلفیق تخصص های گوناگون، نقش محوریت یک حرفه (اعم از معمار یا جامعه شناسی و اقتصاد) از بین رفته و تفکر جامع نگر در طرح های توسعه شهری گسترش می یابد.

از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی، ضرورت کاربرد روش های جایگزین مطالعات جامع در طرح های شهری مطرح می گردد و تأکید بر نظریات جایگزین، خصوصاً نظریه عمومی سیستمها عنوان می شود. به عبارتی رابطه انسان با محیط (شهروند با شهر) و عناصر تشکیل دهنده سیستم شهری در شیوه جدید مطرح می شود. از این نظر نگاه به شهر همچون سیستمی پیچیده، احتمالی و در حال تکامل دیده می شود که استفاده از مبانی نظری و روش های عملی آن در مطالعات شهری، اجتناب ناپذیر است. توجه به شهر باید همچون مجموعه ای از عناصر باشد که با هم چنان در رابطه ای متقابل قرار می گیرند که تغییر در هر عنصر تشکیل دهنده مجموعه، موجب تغییر سایر عناصر و در نتیجه کل مجموعه می شود. عناصر سیستمی که در یک شهر قابل بررسی است شامل، انسان، فعالیت ها، مکان اختصاص یافته به آنها و ارتباطات مادی و غیرمادی است.

مراحل تهیه طرح های توسعه شهری

سیر تحول دیدگاه ها و روش های عملی حاکم بر طرح های توسعه شهری در کشورهای مختلف (خصوصاً اروپای غربی) طی دو قرن که از آغاز پیدایش شهرسازی سپری شده است به ۴ مرحله متفاوت به شرح زیر قابل تقسیم است. مرحله اول (از ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰ میلادی)

در این دوره، هنوز شهرسازی به عنوان حرفه ای مستقل به وجود نیامده است. عمده کسانی که در باره چگونگی توسعه شهرها نظر می دهند. نظریه پردازان مسائل اجتماعی برای رفع مشکلات طبقات اجتماعی هستند که با ذکر خصوصیات در خصوص شهر مطلوب یا ایده آل خود نظر می دهند و عموم ایده های مطرح شده که به صورت اتوپیا مطرح می شود شهر مناسب را خارج از شهرهای موجود می داند و به همین دلیل به شرایطی اصطلاحاً آزمایشگاهی می اندیشند که برای تحقق شهر مورد نظر باید هرگونه محدودیت و مانع به عنوان پیش فرض اولیه برداشته شده تا شهر ایده آل به صحنه ظهور برسد. بنا به همین دلیل است که بهترین نظریات مطرح شده این دوره همچون شهر خیالی رابرت آوئن (۱۸۵۸-۱۷۷۱) و فالانستر شال فوریه (۱۸۳۸-۱۷۷۲) هیچگاه جنبه اجرایی پیدا نمی کند. زیرا بسیاری از این نظرات با پیش فرض تغییر شرایط وضع موجود و ساختارهای حاکم بر نظامی است که براساس ساختار سیاسی اقتصادی ناشی از تحولات انقلاب صنعتی به وجود آمده است و قاعده‌تاً تغییر آن از عهده یک شهر ساز صرف بر نمی آید. زیرا نقد آوئن از لیبرالیسم اقتصادی حاکم بر جامعه آن روز و دفاع از طبقه کارگر و پیشنهادهایش در مورد اصلاحات، او را قبل از هر چیز در راس اتحادیه کارگری و نظریه پرداز سوسیالیسم دولتی قرار می دهد که برای تحقق این ایده به ۱۲ هزار هکتار (معادل ۳۰ هزار ایکر).

نیاز داشت تا در آن نقشه ای شطرنجی را ارائه کند و هر کدام از خانه های شطرنج، پذیرای ۱۱۰۰ نفر در ۴۰۰ تا ۶۰۰ هکتار باشد، در عین حال نیز برای تحول اساسی شرایط و رفتار محرومان باید آنان را از محیطی که هم اکنون تأثیر شومی بر آنها دارد بیرون کشید و آنان را در شرایط مناسب برای سرشت طبیعی انسان قرار داد. شرایطی که برازنده انسان و به نفع تمامی طبقات باشد.

تأثیر عمیق انقلاب صنعتی که با اختراع ماشین بخار جیمزوات شروع می شود، به تدریج همه ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تحت الشعاع قرار می دهد و نظام شهری نیز از این قاعده مستثنی نمی شود زیرا شهرهای اروپایی در این دوره به سبب تأثیرات انقلاب صنعتی به گونه ای بی سابقه گسترش می یابند. این توسعه عمدتاً به طور بی رویه و بی ضابطه در حاشیه بافت منسجم شهری (میراث قرون وسطی) در اطراف صنایع و خطوط آهن و توسط صاحبان زمین

حومه های نوساز شهری صورت می گیرد، مقابله با این شرایط نابسامان یکی از اهداف دولت های بورژوازی این دوره قرار می گیرد که عموماً به ایجاد تسهیلات بهداشتی محدود می شود.

در عین حال در اواخر این مقطع که به نوعی نوزایی علم شهرسازی را پدیده می آورد. برخلاف آنچه که در حومه های شهری بدون ضابطه و برنامه روی می دهد، بازسازی مرکز شهری در چارچوب های طرح های مدون صورت می گیرد، اهداف و محتوای این طرح ها از طرف هیأت حاکمه با توجه به نیازهای جوامع و دولت های جدید تعیین می شود و طی آن پیش بینی هایی برای ایجاد مراکز جدید اداری و خدماتی، میدان ها و شاهراه های جدید ارتباطی، پل ها، خطوط مترو راه آهن و تأسیسات زیربنایی آب و فاضلاب می شود. عمده این طرح ها با کمک تکنسین های جدیدی به نام مهندس تهیه و اجرا می شود و معماران این قرن که بیشتر سرگرم ساختن ابنیه تشریفاتی هستند با این فعالیت ها بیگانه می مانند. حومه های نوساز شهری نیز که خیلی زود بخش اعظم ساختار شهر مدرن اروپایی را تشکیل دادند، خود به خود و بدون دخالت معماران توسعه می یابند. به عبارتی زمانی که عواقب منفی این حومه جزء لاینفک ساختار شهری می شود، لزوم تدوین طرح برای آنها احساس می شود.

در بین نمونه های مطرح این دوره باید به طرح بارن اوسمان برای مرکز شهر پاریس اشاره کرد که الگویی برای بازسازی مراکز شهری در سایه کشورهای اروپایی و به تدریج سایر کشورها می شود.

مرحله دوم (۱۹۵۰-۱۹۰۰)

شروع قرن بیستم با تحولات زیادی در عرصه علوم همراه می گردد، نظریات مبتنی بر استدلال استقرایی و گسترش شیوه های تجربی در همه علوم باب می شود و تدوین قواعد استدلالی براساس فلسفه علمی، اساس روش شناسی را تشکیل می دهد. به طوری که قواعد منطقی مبنای شناخت در فلسفه طبیعی برشمرده می شوند.

قاعده یکم: برای تعلیل اشیاء طبیعی، فقط باید به عللی تمسک ورزید که هم صادق و هم برای تبیین ظواهر کافی باشند.

قاعده دوم: باید به معلول های مشابه تا جایی که ممکنست علل مشابه را نسبت داد.

قاعده سوم: آن دسته از اوصاف که در همه اجسام موجود در دسترس آزمایش یافت می شوند و شدت و ضعف هم برنمی دارند می باید اوصاف همگانی جمیع اجسام شمرده شوند.

قاعده چهارم: احکامی که از طریق استقراء عمومی و بر اثر کندو کاو در پدیده ها به دست می آید درست است ونباید به فرضیات مخالف اعتنایی شود.

به تبع تدوین قواعد منطقی و احکام استدلال در همه علوم، در این دوره اصول نظری شهرسازی مدرن شکل می گیرد و همه صاحب نظران سعی در بیان تجارب استقرایی مبتنی بر مصادیق علمی دارند. بنا به همین دلیل است که در این دوره نظریات متعددی در باره شهرسازی مطرح می شود که برخی از آنان عبارتند از:

- نظریه شهر خطی توسط آرتور سوریا.
- نظریه شهر صنعتی توسط تونی گارینه [۱۲] (۱۹۴۸-۱۸۶۹)
- نظریه باغ شهر توسط ابنزر هاوارد [۱۳] (۱۹۲۸-۱۸۵۰)
- نظریه شهر درخشان توسط لوکور برزیه [۱۴] (۱۹۶۵-۱۸۸۷)

نیمه اول قرن بیستم علاوه بر ایجاد تأکید اندیشه های پوزیتیویسمی و بروز دو جنگ جهانی، زمینه بیشتری را برای تفکر بیشتر و منطقی تر به مفهوم توسعه شهری ایجاد می نماید. به همین دلیل کنگره چهارم معماری مدرن (سیام) کلاً به

موضوع شهرسازی اختصاص می یابد و طی آن یک الگوی نمونه برای تهیه نقشه های شهری ارائه می گردد که برطبق آن برای هر شهر باید ۳ نقشه تهیه شود. یکی برای نشان دادن شیوه استفاده از زمین، دومی برای نشان دادن وضعیت معابر و سومین نقشه برای تکمیل موقعیت شهر با توجه به محیط اطراف آن.

الگوی فوق الذکر مبنای تهیه طرح های توسعه شهری برای ۳۳ شهر از جمله لندن، پاریس، برلین، دیترویت، مادرید می گردد ولی این الگو تنها نقشه های وضع موجود را نشان می دهد، علاوه بر این در فاصله دو جنگ جهانی، روش هایی که برای سامان دادن شهرهای بزرگ به کار گرفته می شود، عمدتاً پراکنده و نامنسجم هستند و طرح های کلی شهری از محدوده مراکز شهری فراتر نمی روند. تنها تجربه ۳ پایتخت اروپایی (آمستردام، پاریس و لندن) از این قاعده مستثنی است و طرح در محدوده ای فراتر از مرکز شهری و به عبارتی منطقه پیرامون شهری مورد بررسی و پیشنهاد قرار می گیرد. نکته مهم مرتبط با این مقطع این است که شروع تجربه تهیه طرح توسعه شهری به صورت جامع و توجه به تخصص های مرتبط با مسائل شهری ولی جدا از آن همچون جمعیت شناسی، اقتصاد، حقوق و... از این زمان به بعد آغاز می شود و حرفه شهرسازی بر مبنای عام دیدن همه مسائل شهری از این زمان شروع می شود و متعاقباً نیز گسترش سریعی را در کشورهای مختلف پیدا می کند. از آنجایی که این روش مطالعه به عنوان نقطه عطفی در تاریخ مطالعات تهیه طرح های توسعه شهری شناخته می شود، ضروری است که به ۳ طرح مهم که با این شیوه بررسی شده اند اشاره شود.

طرح آمستردام (۱۹۳۹-۱۹۳۴)

در سال ۱۹۳۴ برای پایتخت هلند به استناد قانونی که براساس آن همه شهرهای بیش از ۱۰ هزار نفر موظف به تهیه برنامه های توسعه آتی شده بودند طرحی تهیه می شود که ویژگی کامل یک طرح جامع شهری را داراست. به این ترتیب که با پیش بینی رشد آتی جمعیت شهر، خصوصیات تاریخی و فیزیکی و موقعیت آمستردام به عنوان پایتخت هلند جهت توسعه شهر، میزان افزایش سطوح مسکونی، خدماتی، فضای سبز و پارک ها، مراکز کار و فعالیت، چگونگی تقویت شبکه حمل و نقل زمینی، زیرزمینی و هوایی و تأسیسات زیربنایی و همچنین ضوابطی برای محله بندی شهر، ارتفاع ساختمان ها، تعداد طبقات و فاصله بلوک ها از یکدیگر تعیین می شود.

این طرح به سبب آغاز جنگ جهانی دوم اجرا نمی شود و پس از اتمام جنگ نیز، طرح دیگری برای شهر تهیه می شود که در برخی بخش ها با طرح پیشین مغایر است.

طرح پاریس (۱۹۳۹-۱۹۳۴)

در سال ۱۹۳۴ کمیسیون ویژه ای برای تهیه طرح پاریس و تعیین محدوده منطقه شهری آن تشکیل می شود، براساس این طرح نتردام، مرکز منطقه و اراضی و شهرهای کوچکی که تا فاصله ۳۰ کیلومتری آن واقع شده اند جزو منطقه شهری پاریس قرار می گیرند. تدوین کنندگان این طرح که برای تهیه و تصویب آن ۵ سال زمان را صرف نموده اند. شکل توسعه چند مرکزی طرح اوسمان را الگوی مناسب برای توسعه پاریس بزرگ تلقی نمودند. علاوه بر این تعیین ضوابطی برای چگونگی استفاده از زمین و ضوابط ساختمانی مناطق گوناگون، ضوابط تصمیم گیری در باره مناطقی که اهمیت تاریخی و هنری دارند (کاخ ورسای و سن ژرمن) مجموعاً محتوای طرح پاریس بزرگ را تشکیل می دهند. این طرح نیز همچون طرح جامع آمستردام به علت شروع جنگ اجرا نمی شود و در سال ۱۹۵۶ طرح دیگری برای این شهر تهیه می شود که در آن برخی سیاست های طرح قبل از جنگ دنبال می شود.

طرح لندن بزرگ (۱۹۴۴)

طرح لندن به خلاف دو طرح جامع پاریس و آمستردام بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم تهیه می شود، این طرح براساس شناخت دقیق شهر و اصولی که کمیسیون بارلو برای برنامه ریزی و طرح ریزی محدوده لندن و اراضی مجاور آن تدوین می کند، تهیه می گردد. در طرح لندن بزرگ که توسط سرپاتریک ایبر کرامبی تهیه می شود شکل فیزیکی توسعه متحدالمرکز و استخوان بندی تاریخی آن در قرن سیزدهم حفظ می شود و سیاست اصلی طرح، تقویت شبکه حمل و نقل سریع از طریق شاهراه حلقوی برای جابجایی سریع، پیرامون حلقه سوم شهر لندن است. علاوه بر این، تقویت خطوط راه آهن و مترو، احداث ۸ فرودگاه در کنار شهرهای اقماری و همچنین سیاست های زیر مدنظر قرار می گیرد:

- کاهش صنایع و اشتغال صنعتی در محدوده لندن و اراضی مجاور آن.
- کاهش جمعیت در لندن بزرگ
- ایجاد مراکز جدید جمعیتی در نزدیکی لندن
- حفظ اهمیت بندر لندن و کنترل قیمت زمین و نوسانات آن توسط طرح
- ایجاد شهرهای اقماری در محدوده های پیرامونی شهر

مرحله سوم (۱۹۷۰-۱۹۵۰)

مرحله سوم مطالعات توسعه شهری به زمان پس از جنگ جهانی دوم و نتیجه آن یعنی تخریب وسیع بسیاری از شهرهای درگیر جنگ بر می گردد. آنچه که از ویرانی های به جای مانده جنگ برای همگان عیان است، بازسازی و نوسازی سریع شهرها و استفاده از اصول نظری شهرسازی مدرن برای تهیه طرح های توسعه شهری است. ضرورت های ناشی از برنامه های بازسازی و کوشش برای رفع عدم تعادل های موجود در چگونگی استقرار و توزیع جمعیت، تأسیسات تولیدی و خدماتی زیرساختی باعث توجه به برنامه ریزی و طرح ریزی کالبدی در سطوح منطقه ای و شهری نیز می شود.

در این دوره مهمترین مشخصه های برنامه ریزی و طرح ریزی کالبدی در ۲ عرصه مختلف به منصفه ظهور می رسد:

۱. طرح های توسعه شهری در قالب طرحهای جامع، حاوی برنامه ای کلی و بلند مدت توسعه شهری برای دوره ای بلند مدت (عموماً ۲۰ ساله)

۲. طرح های تفصیلی به عنوان ابزار اجرایی طرح های جامع و به عمل رساندن پیشنهاد های طرح اهداف اصلی طرح های جامع شهری و متعاقب آن طرح های تفصیلی الهام گرفته از اصول شهرسازی کارکردی که در چهارمین کنگره بین المللی معماری مدرن در سال ۱۹۳۳ تدوین شده است بر می گردد. دو اصل عمده این دوره عبارتست از به نظم در آوردن فعالیت های عمده شهری (مسکن، کار، تفریح، ارتباطات) و استاندارد نمودن نیازهای کمی و کیفی زندگی شهری با توجه به دو هدف فوق الذکر. بنابراین شهرسازی صرفاً موضوعی زیبایی شناختی و تک عملکردی نیست بلکه باید ابعاد مختلف زندگی شهرنشینان را برای رسیدن به رفاه بیشتر شامل شود.

بر مبنای اهداف و مبانی نظری فوق الذکر، در نیمه اول قرن بیستم، نظریات متعددی شکل می گیرد که هر کدام به گونه ای اصول سازماندهی کارکردی و فیزیکی شهر منظم و متعادل را ارائه می کنند. از این میان نظریات منطقه بندی شهری (Zoning) و نظام سلسله مراتب تصمیمات شهری در تحقق اصول شهرسازی کارکردی بیشتر مورد استفاده قرار می گیرند؛ و شهرهای بسیاری براساس اصول این دو نظریه طرح ریزی می شوند.

از آنجایی که دو عامل عمده این مقطع زمانی، طرح های جامع و تفصیلی هستند، در فصل بعدی به تشریح اهداف، مراحل و شیوه تهیه هریک به طور مفصل پرداخته می شود.

مرحله چهارم (۱۹۷۰- به بعد)

از اواخر دهه ۱۹۶۰ ناکامی طرح های جامع سنتی در تحقق اهداف و آرمانهای طرح توسعه شهری از یک سو و رواج و گسترش دیدگاه های جدید برنامه ریزی و شناخت در علوم از سوی دیگر باعث می شود که ضرورت تغییر در شیوه مطالعه طرحهای توسعه شهری به وجود آید. به همین دلیل، نخست برنامه ریزان شهری انگلستان با تأکید بر نظریه عمومی سیستم ها، ضرورت کاربرد روش های سیستمی را در برنامه ریزی و طرح ریزی شهری مطرح می نمایند و به دنبال آن تغییر در شیوه نگرش طرح های جامع سنتی که به رابطه یک سویه عناصر می پرداخت (مجرد دیدن اجزای شهری و بررسی آنها بدون ارتباط با یکدیگر) به متقابل دیدن عناصر تشکیل دهنده مجموعه تبدیل می شود.

در نگاه جدید و با برداشت سیستمی، شهر همچون پدیده ای پیچیده، احتمالی و در حال تکامل مشخص می گردد که همواره پویا بوده و برای بررسی تحولات آن باید پیش بینی را در قالب یک سیستم پویا جستجو نمود. براساس روش سیستمی، مراحل روند طرح ریزی چرخه پیوسته ای از مراحل تحلیل و جمع بندی است که جایگزین روند استنتاجی می شود. اگر در شیوه های سنتی، مرحله شناخت و تحلیل وضع موجود، مقدم بر جمع بندی قرار می گرفت، در روش سیستمی تدوین اهداف برای محدوده مطالعه و گردآوری و مدل سازی اطلاعات و ارزیابی و اجرای راه حل جایگزین آن می شود. به عبارتی فرآیند برنامه ریزی که از هدف گذاری تا نظارت بر اجرا را شامل می شود، در طرح های توسعه شهری جایگزین جامع بینی فاقد هدف می گردد و شاید بتوان به جرأت اذعان کرد که برای نخستین بار، طرح توسعه شهری از نقشه کالبدی به برنامه توسعه شهری تغییر می یابد. ویژگی خاص شهرسازی این مقطع زمانی با توجه به جنبه های اتفاقی شهر و نگرش مبتنی بر شرایط عدم قطعیت، محدودیت دانش بشری و نهایتاً نیز محدودیت اختیارات و کنترل انسانی است. به همین دلیل در دیدگاه جدید تعریف انسان و برنامه ریزی برای او بدین گونه بیان می شود:

“انسان در شرایطی که دانش وی کامل نیست عمل می نماید. به علاوه انسان اغلب از لحاظ اولویت ها دچار کشمکش بوده و در مقابل آنها غیرمنطقی است، لذا قدرت انسان در محاسبه و کنترل خیلی محدود است و بی شک در شرایط عقلانیت محدود و عدم کمال این رویه ادامه خواهد یافت.

اگر تجربه طرح جامع و نظریات مرتبط با آن در کشورهای مختلف از جمله فرانسه، انگلستان و هلند، نقطه شروعی در شیوه عملکرد شهرسازی در دنیای مدرن تلقی می شود، اما تحولات ایجاد شده در شیوه های علمی برنامه ریزی از دهه ۶۰ به بعد که شهرسازی را نیز با تغییر در رویکرد مواجه می نماید، نقطه عطف جدیدی محسوب می شود. به همین دلیل در نظریات ارائه شده این مقطع که از سوی افرادی همچون پل دیویدوف، توماس راینر، آلت شولر و دیگران مطرح می شود، مقوله توسعه شهری را با نگاه جدیدی مطرح می نماید. در این راستا تجربه برنامه ریزی سنتی از نگاه جامع و فاقد هدف به انواع جدید برنامه ریزی که مبتنی بر درک شرایط موجود نظام شهری است تغییر می یابد و اصطلاحاتی چون برنامه ریزی تصمیم گیر، برنامه ریزی روندی، برنامه ریزی جزء به جزء، برنامه ریزی اجرایی و سیاستگزاری، برنامه ریزی اجتماعی و وکالتی به عرصه نظام شهرسازی وارد می شوند.

روش سیستمی طرح ریزی شهری

بزرگترین تحولی که از این مقطع زمانی در عرصه مطالعات شهری و تهیه طرح های توسعه اتفاق می افتد، تغییر روش تهیه طرح از تک بعدی دیدن و بررسی تحولات آینده براساس روند گذشته، ورود به عرصه سیستمی و نگاه به شهر به عنوان یک سیستم است. براساس این روش، مراحل روند طرح ریزی، چرخه پیوسته ای از مراحل تحلیل و جمع بندی است که جایگزین روند استنتاج سنتی می شود. مراحل این روش جدید به شرح زیر قابل طبقه بندی است:

- تدوین اهداف طرح ریزی برای محدوده مورد مطالعه
- ایجاد بانک اطلاعاتی برای تشریح رفتار گذشته و حال سیستم
- پیش بینی و مدل سازی
- ارزیابی گزینه های توسعه و انتخاب گزینه مطلوب
- اجرای طرح و کنترل سیستم شهری

سابقه تحولات شهرسازی

فعالیت های مرتبط با تهیه طرح های جامع شهری در ایران از دو نظر قابل بررسی است، یکی لحاظ نمودن آثار پیشینیان از دوران باستان تا زمان حاضر و دیگری براساس مطالعات طرح توسعه شهری به مفهوم امروزی.

واقعیت این است که اگر چه سابقه تهیه طرح توسعه شهری در ایران قدمت اندکی دارد و حداکثر به نیم قرن می رسد؛ اما میراث به جای مانده از پیشینیان که قبل از میلاد را نیز بعضاً در بر می گیرد. حکایت از وجود تفکر پیش اندیشیده ای دارد که اگر چه با مفاهیم امروزی هماهنگ نیست اما قطعاً در زمان خود حاکی از وجود طرح ریزی اندیشمندانه ای دارد. وجود مجموعه تخت جمشید پاسارگاد، معبد چغازنبیل در هفت تپه خوزستان، ارگ بم کرمان، تپه سیلک کاشان، شهر سوخته سیستان و بلوچستان و بسیاری دیگر همگی حکایت از این دارد که سازندگان بناهای فوق الذکر، از پیش، نیاز سنجی، امکان سنجی و لحاظ نمودن جمیع شرایط اقلیمی و سازه ای، امنیتی و غیره را در نظر گرفته و براساس تلفیق متناسب آنها با یکدیگر به ساخت اقدام نموده اند.

علاوه بر آثار به جای مانده از دوران باستان، شهرهایی نیز با نقشه های منظم و از قبل طراحی شده وجود دارد که عموماً با شبکه بندی نظم هندسی طراحی شده اند که از جمله نمونه های باقی مانده می توان به شهرهای شاپور و اردشیر خوره (فیروزآباد) در فارس، جندی شاپور و ایوان کرخه در خوزستان، بابل و تیسفون اشاره کرد. از بین نمونه های فوق الذکر، شهر اردشیر خوره با انجام محاسبات دقیق و کمی ریاضی، دایره ای را به وجود آورده است که حاکی از دقت عمل طراحان این شهر است. همچنین در شهر نیشابور ویژگی های خاصی در شبکه بندی معابر مدنظر بوده است به طوری که باعث شکل گیری شبکه شطرنجی شده است. علاوه بر این خود شهر به سه قسمت تقسیم می شود که عبارتست از:

۱ شهر خاص ۲ نواحی خارج شهر ۳ پاسدارخانه ها

شهر خاص دارای برج و حصار و چهار دروازه بوده که در خارج شهر پاسگاه ها واقع شده و آنها نیز دارای دروازه بودند. نقطه عطف اولیه در ساخت شهر ایرانی که مبتنی بر نظام بندی شهر و تفکر در خصوص چگونگی تقسیم بندی آن است به دوران ساسانیان باز می گردد. در واقع ظهور دولت ساسانی، اولین حرکت جامعه شهری ایران برای تمرکز و رسیدن به قدرت است. زیرا تا قبل از آن، حکومت همیشه از آن جامعه ایلی می بود که با جنگ و ستیز به قدرت می رسید، ولی

نطفه اصلی دولت ساسانی در شهر بسته شد و زمینه حکومت در فضای جامعه شهری پرورش یافته است و بنا به همین دلیل است که شهر پایه نهادهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و بازرگانی، اداری دولت ساسانی می گردد. شهر پارسی از آنجایی که مکان اصلی استقرار طبقات برتر اجتماعی همچون موبدان، جنگاوران، دبیران و دهقانان است از دیدگاه ریخت شناسی از پنج فضای مختلف تشکیل می شود که طبقه بندی و جایگزینی هریک حاکی از وجود نظام برنامه ریزی شهری با نیازهای آن زمان است. تقسیمات شهر دوره ساسانی به شرح زیر است:

۱. دژ حکومتی: مجموعه ای است مرکب از کاخ ها، آتشگاه اصلی، دیوان ها، سربازخانه ها، ذخایر، خزاین و انبارهای آذوقه که به دلیل اهمیت دژ در بالاترین نقطه شهر و در مهمترین نقطه سوق الجیشی ساخته شده و با دیوارهای سنگین محافظت می گردد.

۲. شاریانی: مجموعه ای مرکب از محلات خاص برای استقرار طبقات ممتاز (از نظر اقتصادی و اجتماعی) این بخش به وسیله دیواری سنگین با چهار دروازه به چهار سوی عالم محصور و بخشی از بازار شهر را در خود دارد. (این قسمت در دوره اسلامی به شارستان موصوف می گردد).

۳. شار بیرونی: مجموعه مرکب از محلات، خانه ها، بازارها، باغات و مزارع پراکنده در اطراف شاریانی است. که محل استقرار کلیه مردمانی که در طبقات فوق جای نگرفته و در ساختار قدرت نقشی ندارند می باشد، این بخش در دوران بعد از اسلام به ربض مشهور می گردد.

۴. بازار: به عنوان ستون فقرات شهر از دل شارستان (شاریانی) شروع شده و دامنه خود را به شار بیرونی (ربض) می گستراند و در مسیر خود محلات مختلفی را شکل می دهد و به عبارتی قلب شهر را تشکیل می دهد.

۵. میدان: شامل فضایی وسیع در مقابل دروازه های شارستان است که در ربض ساخته می شود و بازارها به آن باز می شوند. میدان محلی است برای اعلان فرمان های دولت، بخشودگی ها و عقوبت ها و...

ساختار تقسیم بندی شهرهای دوره ساسانی با ورود اسلام به شهر از تغییر جهان بینی برخوردار می شود و به همین دلیل عناصر کالبدی مبتنی بر تفکر جدید در تفکرات تقسیم بندی نظام شهرسازی نیز وارد می شود. بنا به همین دلیل است که شهر دوران اسلامی مفاهیم جدیدی را ایجاد می نماید که مهمترین آنها مسجد و محله است. بالطبع ورود این دو عنصر به نظام شهری مستلزم جانمایی متناسب با قدر و اهمیت آنها و همچنین ترکیب سایر عناصر شهری با آنهاست لحاظ نمودن این عناصر و ترکیب موزون آن وظیفه اصلی برنامه ریزان و طراحان شهری است که به دلیل اهمیت موضوع بطور مشخص به آن پرداخته می شود:

سیر تحول برنامه ریزی شهری بعد از ورود اسلام به ایران

تحولات شهرسازی مبتنی بر نگرش اسلام که براساس محوریت عناصر کالبدی مذهبی (مسجد، بازار و...) شکل می گیرد به سه دوره به شرح زیر قابل تقسیم بندی است.

۱ قرون اولیه اسلامی

در این مرحله به دلیل تأثیرات به جای مانده از نظام شهرنشینی دوران ساسانی، اصول قبلی حاکم بر تفکرات این نظام همچنان پا برجاست؛ اما به تدریج بر اثر عوامل جدید، سیاست های شهرسازی تغییر می کند. الگوی حاکم بر این مرحله به دو گونه ساخت شهری منجر می گردد (فقیه ۱۳۵۴، کیانی ۱۳۶۵) یکی شهرهای نوساز که نشانه قدرت و وحدت سیاسی امپراطوری اسلامی می باشند، مثل شهر اولیه بغداد که به دستور منصور خلیفه عباسی بنا می شود. این شهر

براساس نظم هندسی دایره ساخته شده و با چهار دروازه در اطراف و قصر خلیفه و مسجد بزرگ در مرکز، طراحی کاملاً از پیش اندیشیده شده ای را نشان می دهد. نکته قابل توجه در خصوص طراحی این شهر واگذاری ساخت محلات به عهده خود افراد شهر است که حاکی از مشارکت مردمی دارد. به همین دلیل ترتیب محله بندی، نحوه معماری و باغ سازی این شهر به شهرت رنگ و بوی ایرانی می یابد.

شهرهای نوع دوم، شامل شهرهایی است که با ایجاد مسجد و بناهای جدید رنگ و بوی اسلامی به خود می گیرند مانند اصفهان و ری.

پیشرفت شهرسازی در زمان استقرار حکومت های ایرانی همچون سامانیان، آل بویه و آل زیاد که آرامش نسبی نیز به کشور حکمفرما شده بود، فراهم می گردد به همین دلیل ربض گسترش یافته و بر شارستان تقدم می یابد و همچنین با توسعه ارتباطات با روستاهای اطراف، شهر فتودالی نیز در ایران شکل گرفته و به تکامل می رسد.

۲ قرون میانی اسلامی

در این زمان، در کنار آرامش سیاسی و رونق اقتصادی، هنر ایرانی در قالب معماری ساختمان ها شکوفا می شود و عناصر اصلی زیبایی شناسی شهری را به وجود می آورد و اگر چه یورش مغول باعث ویرانی بسیاری از شهرهای آباد می شود ولی از آنجایی که احداث شهرهای جدید و یا نوسازی آنها در این دوره، یکی از وظایف اصلی دولت شناخته می شود، در زمان حکومت غازان خان، الجاتیو و ابوسعید، شهرسازی شیوه نوین را پذیرا شده و شهرهایی چون مراغه، تبریز و سلطانیه بازسازی و یا احداث می شوند. به طوری که پروفیسور پوپ در این خصوص اذعان دارد که: خواجه رشید الدین وزیر غازان خان، شهری: شامل ۲۴ کاروانسرا، ۱۵۰۰ مغازه و ۳۰ هزار خانه مسکونی برای محل سکونت دانشمندانی که از اطراف جهان گرد آمدند بنا می نماید. علاوه بر این، احداث بیمارستان، نقاهتگاه و باغ های متعدد که از لحاظ استحکام و زیبایی و یکپارچگی، تمام بناهای نظیر خود را تحت الشعاع قرار داده اند، ساخته شده و مجموعاً شهری را به وجود می آورد که تمام نیازهای شهروندان را همراه با رفاه اجتماعی آنها فراهم نماید.

در این زمان شهرهایی چون سمرقند، بخارا و هرات از اهمیت ویژه ای برخوردار می شوند و یکی از نمونه های قابل توجه از نظر لحاظ نمودن مباحث امروزی برنامه ریزی شهری، به نام ترمه است. در این شهر ابتدا جمعیت مورد نظر را که باید در شهر سکنی کند، تعیین می نمودند. سپس میزان زمین مورد احتیاج هر محله را مشخص ساخته و نهایتاً شبکه بندی خیابان ها بازارها، مسجد جامع و سایر مساجد و مدارس شهر معین می گردید و پس از طی این مرحله مردم برای سکنی در شهر جدید به آنجا کوچ داده می شدند.

۳ قرون متاخر اسلامی

در این مقطع نقطه عطف دیگری در تاریخ شهرسازی و شهرنشینی ایران اتفاق می افتد و آن تغییر اساسی ساختار شهرهای ایران با گشایش شبکه های ارتباطی، ساختار فضاهای عمومی متمایز از اماکن مذهبی و ایجاد ابنیه زیبا از حیث جنبه های معمارانه، رونق شهرنشینی و همچنین احداث دو عنصر اصلی طراحی شهری یعنی میدان و خیابان به همراه بازارها و کاروانسراهای شهری است. اوج این اقدامات در عهد صفوی خصوصاً هنگام سلطنت شاه عباس اول است که زمان شکوفایی هنرهای مختلف خصوصاً نقاشی، معماری و شهرسازی را به همراه دارد.

نمونه های چنین توجهی را بیش از همه می توان در پایتخت دوم صفویان یعنی اصفهان جستجو کرد که حتی به ابداع مجدد مفهوم شار و شروع سبک جدیدی تحت عنوان مکتب اصفهان از آن یاد شده است.

مکتب جدیدی که براساس الگوی آرمانی صفویه از تفکر به اجرا در می آید، تلفیقی دقیق و روشن را از وضع مطلوب عرضه می دارد. در این تلفیق دو روش طراحی ارگانیک و خودگرا آمیخته شده و مفهوم جدیدی از برنامه ریزی و طراحی نهایی را به وجود می آورد، شهر اصفهان که عرصه کالبدی چنین تفکری است در طرح توسعه خود به گونه ای منطقی و خردمندانه به شرح زیر تعریف می گردد:

“محور چهارباغ به عنوان لولایی خطی بین سازمان فضایی کهن و نو، با عبور از محور زاینده رود (به عنوان محوری طبیعی و اندامین) عملاً ترکیبی از طبیعی و مصنوع، اندامین و منطقی، نظم و بی نظمی و ... را عرضه می دارد. میدان نقش جهان به عنوان مرکز شهر جدید و نماد دولت قدرتمند صفوی با آن که الگوی خود را از میدان کهنه اصفهان می گیرد ولی این الگوی کهن را نظمی کاملاً منطقی می بخشد و با دقتی بی نظیر به ترکیب و تنظیم هندسی و فضایی عناصر پیرامونی و درونی آن می پردازد.

ترکیب بندی عناصر فوق الذکر که تا این زمان در نظام شهرسازی ایران سابقه نداشته است باعث گردید تا مفهوم منطقه بندی شهری براساس نظام محله بندی و تمایزات اجتماعی در کل شهر، تبلور کالبدی پیدا کند. به عبارتی بارزترین ترکیب کلامی مکتب اصفهان در مجموعه ای کالبدی فضایی بکار گرفته می شود، که براساس آن هر مجموعه زیستی (شهر روستا) دارای یک میدان و مرکز ثقل خواهد بود که هم سلسله مراتب مکانی را مشخص می نماید و هم مکان تقاطع گذرهای اصلی و عبوری نیز می باشد.

به طور کلی مکتب اصفهان در شهرسازی در پی تحقق بخشیدن به اصلی است که جهان بر آن قرار دارد یعنی اصل توازن و تعادل کالبدی، با این مشخصات مبانی و مفاهیم اساسی مکتب اصفهان در شهرسازی بدین شرح قابل جمع بندی است:

“در مکتب اصفهان، شهر در محیط پیرامونی خویش مستحیل می گردد و از این رو در توافق کامل با طبیعت پیرامونی خویش قرار می گیرد، در توافق، همزیستی و وحدت چند سویه با روستاهای اطراف خود می باشد و برج و باروی شهر نه به عنوان یک عنصر متمایز کننده شهر از روستا بلکه به عنوان حصاری برای تعریف محدوده کالبدی شهر به کار گرفته می شود، در این مکتب، رونق و آبادانی شهر نه از طریق بازسازی شهر کهن بلکه از مسیر ایجاد مجموعه های شهری جدید در کنار شهر کهن دنبال می شود، بنابراین مکتب اصفهان نه تنها شهر قدیم را مورد جراحی و نوسازی قرار می دهد، بلکه با ایجاد مجموعه های جدید و اعلام دیدگاه های جدید از طریق آنها، دگرگونی و دگردیسی را در بافت های کهن می پراکند. آنچه در این میان اهمیت دارد بیان هماهنگی و هماوای فضاهای شهری است.

با انقراض حکومت صفویه، فعالیت های شهرسازی نیز از رونق می افتد و هیچ یک از حکومت های افشاریه، زندیه و قاجاریه نمی توانند تأثیری در نظام شهرسازی ایران داشته باشند. تنها اقدام قابل توجه انجام یکسری فعالیت های شهرسازی در پایتخت زندیان (شیراز) است که مجموعه بناهایی به نام مجموعه وکیل و ارگ حکومتی احداث می شود. در زمان قاجاریه با انتقال پایتخت به تهران، فعالیت های اندکی در خصوص احداث میداين (سبزه میدان، توپخانه و غیره) انجام می گیرد که در مقایسه با فعالیت های عظیم شهرسازی دوران صفویه کم رنگ است. فی الواقع نزول نظام شهرسازی ایران در این زمان با درهم ریختن سیستم اداری شهرها همراه است. شهرهای تبریز، اصفهان، شیراز و ... عظمت و شکوه خود را از دست می دهند و تنها شهر تهران است که به دلیل تأثیر پذیری ایران از اروپا، نمادهایی از نظام شهرسازی غربی را تجربه می نماید و این امر موجب ایجاد تحولاتی در ساختار کالبدی این شهر می شود، به طوری که

با التقاطی شدن برخی تفکرات، خصوصاً در دوران حکومت ناصرالدین شاه ارزش های تازه ای در شهر سازی و معماری به وجود می آید که زبان سبک و ساختار فضایی جدیدی را به وجود می آورد که می توان به آن سبک تهران اطلاق نمود.

مهمترین اسناد تصویری که گویای وضعیت کالبدی و سازمان فضایی سبک تهران است دو نقشه مربوط به تهران است که یکی مربوط به سال ۱۲۳۳ هجری شمسی (۱۸۵۵م) و دیگری مربوط به ۱۲۵۶ هجری شمسی (۱۸۷۸م) است، اولی نقشه در دارالخلافه تهران است که همان ساختار اصلی شهر زمان صفویه است که توسط شاه طهماسب صفوی ایجاد شده است که با سبک اصفهان همسانی زیادی دارد. ولی دومین نقشه که دارالخلافه ناصری است پس از اولین سرشماری کشور (در سال ۱۲۴۸) تهیه می گردد و براساس آن به دستور صدراعظم وقت دستور برنامه ریزی و طراحی شهر جدید تهران را برای افرادی که خارج از حصار و دیوار شهر بودند صادر می کند. این طرح زیر نظر صدراعظم و وزیر دارالخلافه مدرسه دارالفنون توسط مسیو بهلر (Buhler) فرانسوی تهیه می شود.

این نقشه در حقیقت اولین طرح مدرن برای یک شهر است که با مشارکت محققین ارائه می شود خود آغاز فرایندی است که در آینده به تحولات برون زای نظام شهرسازی کشور منجر می شود. نظام حاکم بر این طرح براساس شبکه بندی خیابان های جدید همچون الگوی اروپایی خود از نظم هندسی پیروی کرده و عمدتاً با مرکزیت میدان تعریف می شود. به همین دلیل مجموعه ارگ و کاخ های درونی آن به عنوان مرکز هندسی شهر جدید فضایی خاص می یابند و بدین ترتیب مساحت شهر از ۳ به ۱۹ کیلومتر مربع می رسد.

در سبک تهران، خیابان نیز مفهومی جدید می یابد و نه به عنوان تفرجگاه بلکه به عنوان مکان تجارت و بازرگانی نقش می یابد به گونه ای که همانند یک فضای شهری با هویت و زنده مطرح می شود و سعی بر آن دارد که مظهر تجدد طلبی دولت قاجار در دوره ناصری باشد.

بالطبع با دگرگونی مفهوم خیابان و حضور عملکردهای جدید شهری همچون تماشاخانه، سینما، هتل، بانک، میدان نیز فضای کهن خود را از دست می دهد و تبعیت کننده تناسبات کمی دوره های رنسانس و باروی می گردد. به طور کلی این سبک سعی در اختلاط شرق و غرب و تفوق شرق و عرضه نمودن جنبه های کالبدی آن دارد که در برخی موارد نیز موفق بوده است. (نمونه میدان سبزه میدان).

شهرسازی دوران معاصر ایران

از سال ۱۲۸۵ هجری شمسی به بعد همزمان با انقلاب مشروطیت، گشایش اولین مجلس ملی، تدوین قانون اساسی و تصویب قانون بلدی، نقطه عطف جدیدی در تاریخ ایران ایجاد می شود. این انقلاب همسو با تلاطمی که در جهان سرمایه داری و صنعتی ایجاد شده است، آرمان شهر خود را جستجو می کند و به دنبال قانونمند کردن رابطه دولت و رعیت، همراه با تحولات جامعه اروپایی در عرصه های مختلف از جمله نظام شهری است. به عبارتی روشن تر انقلاب مشروطیت بر آن بود تا با یک برش تاریخی روش زیست و تولید جامعه را تعریفی مجدد نماید.

اگر چه سرنوشت مشروطیت در گذار تاریخ اندک خود مقابل دولت کودتا رنگ می بازد؛ اما از آنجایی که این نظام پویا برپایه یک سازمان متشکل دیوان سالار و نیروی نظامی مستقل از تقسیم بندی عشیره ای کهن تشکیل می گردد. باعث دگرگونی های زیادی در عرصه تحولات و خصوصاً جامعه شهری می گردد.

با تشکیل دولت پهلوی در سال ۱۳۰۴، استحاله جدیدی در تغییر از سنت به مدرنیسم به وجود می آید و بدون به وجود آمدن زیر بناهای لازم جهت این تغییر، روابط جدیدی شکل می گیرد. به عنوان مثال جامعه ایلیاتی با تصویب قانون ثبت اسناد و املاک، مراتع و زمین های خود را باز می یابد و مالکیت اشتراکی زمین به نظام مالکیت انفرادی و قطعه قطعه شدن اراضی منجر می شود.

جامعه شهری نیز بدون آن که هسته های صنعتی را در خود جای داده باشد و بی آنکه دوره انتقالی از اقتصاد کارگاهی به اقتصاد کارخانه ای را درک کرده باشد در یک تغییر ماهوی از یک جامعه تولیدی به یک جامعه خدماتی و سپس مصرفی تبدیل می شود و با تجدد طلبی حاکم بر مدرنیسم از دو جامعه روستایی و ایلیاتی به شدت فاصله گرفته و پدیده شهرمصرف زده را در پناه درآمد و ثروت نفت به وجود می آورد. در این دگرگونی و تحول، مفاهیم و عملکردهای سنتی به کنار گذاشته می شوند و شهر به عنوان تبلور فضایی کالبدی این دگرگونی، ارزش های قدیم سازمان فضایی خود را به دور می اندازد. به همین دلیل است که یکباره دخالت های عظیم کالبدی در بافت قدیم شهرهای ایران از جمله اصفهان، یزد، کاشان، کرمان و... آغاز می شود که در بسیاری موارد انسجام کالبدی و اجتماعی این شهرها را تحت الشعاع خود قرار می دهد. در این مقطع تاریخی، دولت به عنوان نهاد مداخله گر و درعین حال مقتدر هم از لحاظ قدرت و هم ثروت برای اولین بار در تاریخ شهرسازی کشور دست به تغییر ساختارهای فضایی شهرها می زند. این تغییر نه بر مبنای تفکرات و تحول درونی بلکه براساس اندیشه و تغییری برونی شکل می گیرد که برخاسته از نظریه پردازی های نوگرایان نسل دوم شهرسازی جهانی است که بیش از هر چیز به توسعه معابر می اندیشیده است و خیابان به عنوان نماد تجدد مطرح می شود.

نکته قابل توجه در این نگرش این است که برای شهر نقشه تهیه نمی شود بلکه اولین نقشه تهیه شده به نام نقشه خیابانها برای تهران در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی و همدان ۱۳۱۰ هجری شمسی (۱۹۳۱) تهیه می شود که در آن توجه به خیابان بیش از هر عنصر کالبدی دیگر مطرح می گردد. در همین زمان با تغییر نام بلدی به شهرداری و برداشتن نام دارالخلافه از پایتخت (۱۳۰۹ هجری شمسی) قانون بلدی مصوب مشروطیت، قدرت اجرایی می یابد و نظام مدیریت شهری در سازماندهی جدید تعریف می شود. متعاقب تصویب این قانون اجرای نقشه خیابان ها نیز در دستور کار قرار می گیرد و در بسیاری شهرها دو خیابان چلیپایی، بافت کهن شهری را از بین می برد و نشان اولین اقدامات شهرسازی جدید را بر چهره شهرهای ایرانی وارد می کند.

به دنبال تصویب قانون تعریض و توسعه معابر (۱۳۱۲ هجری شمسی) که به تعبیری آغاز فعالیت های شهرسازی در ایران نام گرفته است. ساختارهای کهن بافت شهری از هم گسسته شده و بازار یا در میانه خیابان و یا در عبور از آن هویت خود را از دست می دهد و خیابان نقش مسلط خود را به عنوان عنصر غالب و قدرتمند شهری ایفاء می کند.

در سال های پس از تصویب قوانین فوق الذکر و با تغییر نظام قدرت از پهلوی پدر به پسر، شهر توسعه بطنی خود را عمدتاً در طول مسیر خیابان های احداثی گذشته دنبال می کند و سیمای شهری با حضور نمایندگان معماری مدرن شکل می گیرد و کلاً شهر ایرانی بر آن است که برای اولین بار در تاریخ خود، تباین ها و تفاوت های اقتصادی اجتماعی را تبلور کالبدی بخشد.

دولت پهلوی در تحول دیگری به دنبال تبعیت از الگوی غربی به دنبال خلق شهر مردمی است و به نوعی با تصویب قانون تشکیل شهرداری و انجمن شهر (۱۳۲۸ هجری شمسی) به مشارکت شهروندان می اندیشد.

با تشکیل وزارت آبادانی و مسکن و در دستور کار قرار گرفتن طرح های جامع (۱۳۴۳ هجری شمسی)، مقطع جدید تاریخ شهرسازی ایران که مبتنی بر تهیه طرح در قالب دستورالعمل مدون است شکل می گیرد.

منابع و مآخذ

- مزینی، منوچهر، مقالاتی در باب شهر و شهرسازی مقدمه کتاب
- مهندسین مشاور شارمند، شیوه های تحقق طرح های توسعه شهری، جلد اول، ص ۲۴
- کاپالدی نیکلاس، فلسفه علم، ترجمه علی حقی، ص ۲۲۴
- شیوه های تحقق طرح های توسعه، جلد اول، ص ۲۹
- مهندسین مشاور شارمند، شیوه های تحقق طرح های توسعه شهری (جلد اول)، ص ۵۱.
- تقوی نژاد دیلمی، محمدرضا، معماری، شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان، ص ۱۶۲.